

## ارزیابی میزان تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی ج.ا. ایران

وحید شقاقی شهری\*

سعیده حسن پور\*\*

### چکیده

در قانون اساسی ج.ا.ایران اهداف کلان اقتصادی همچون تحقق عدالت اقتصادی و حذف نابرابری‌های درآمدی و تبعیض‌ها، تحقق اشتغال کامل، تأمین مسکن، تعاون و مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و توسعه بخش خصوصی و تعاونی در اصول مختلف آن آورده شده و تحقق این اهداف می‌تواند در راستای تحقق نظریه و اهداف اقتصاد اسلامی نیز تفسیر شود.

هدف مقاله حاضر ارزیابی از میزان تحقق اهداف کلان اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بدین منظور براساس محورهای احصاء شده پنجگانه و مبتنی بر ساخت شاخص ترکیبی مشاهده می‌شود در مقایسه بین عملکرد دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور از منظر جهت‌گیری به سمت تحقق اصول و اهداف کلان اقتصادی مدنظر قانون اساسی، بیشترین هم‌راستایی با تحقق اهداف کلان اقتصادی قانون اساسی به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین: ۶۵/۶۶)، برنامه چهارم توسعه (میانگین: ۶۴/۴۴)، برنامه اول توسعه (میانگین: ۶۰/۷۴)، برنامه پنجم توسعه (میانگین ۵۷/۵۲) و برنامه دوم توسعه (میانگین ۵۵/۲۳) و سرانجام دوره جنگ تحمیلی (میانگین: ۵۰/۴۶) متجلی شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، قانون اساسی، نظریه اقتصاد اسلامی، برنامه‌های پنج ساله توسعه و شاخص ترکیبی.

طبقه‌بندی JEL: B0, O11

## ۱. مقدمه

قانون اساسی هر کشوری میثاق آحاد جامعه آن است و در قانون اساسی ج.ا.ایران نیز مبتنی و با بهره‌گیری از نظریه اقتصاد اسلامی، اصول متعدد اقتصادی در آن گنجانده شده است. در قانون اساسی اقتصاد اهمیت قابل توجهی دارد؛ به طوری که فصل مستقلی - فصل چهارم قانون اساسی با عنوان: «اقتصاد و امور مالی» از اصل ۴۳ تا اصل ۵۵ - به آن اختصاص یافته است. رشد و تعالی معنوی افراد جامعه، ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی، منع درآمدهای غیر مشروع و حرام، پیشرفت اقتصادی، استقلال اقتصادی و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، عمده ترین اهداف الگوی اقتصادی قانون اساسی هستند.

قانون اساسی هدف از پرداختن به اقتصاد را رفع نیازهای انسان به عنوان ضرورت رشد و تکامل معنوی می‌داند. اقتصاد وسیله بوده و هدفی جز ارائه کارکرد بهتر در راه رشد و تعالی معنوی افراد در آن انتظار نمی‌رود. در ضمن عدالت اقتصادی در قانون اساسی از اهداف بسیار مهم است تا آنجا که اساس سامان اقتصاد بر اساس عدالت پی‌ریزی می‌شود. همچنین، قانون اساسی بر محترم شمردن مالکیت خصوصی افراد و کسب ثروت از راه‌های مشروع تأکید دارد.

مقاله حاضر با هدف تحلیل و ارزیابی مقایسه‌ای عملکرد اقتصاد ایران در دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه اجرا شده در کشور از زاویه میزان پایداری به اصول و میزان تحقق اهداف کلان اقتصادی مصرح در قانون اساسی ج.ا.ایران می‌پردازد. در واقع هدف مقاله، تبیین و تحلیل موشکافانه سه واژه به هم پیوسته یعنی نظریه و مکتب اقتصاد اسلامی، اهداف اقتصادی قانون اساسی ج.ا.ایران، و جریان‌شناسی اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی با تمرکز بر اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور است.

از این رو ۱. مروری خلاصه بر ادبیات موضوع؛ ۲. تبیین اهداف اقتصادی مصرح در قانون اساسی ج.ا.ایران؛ ۳. معرفی و تبیین معیارها و شاخص‌های اصلی اهداف کلان اقتصادی قانون اساسی و برگرفته از مبانی نظریه اقتصاد اسلامی از رهیافت‌های رایج و سرانجام ۴. ارزیابی میزان تحقق اهداف کلان اقتصادی متبلور در قانون اساسی ج.ا.ایران طی دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه و مقایسه تطبیقی از میزان موفقیت برنامه‌ها از طریق ساخت شاخص ترکیبی ساختار مقاله حاضر را در بر می‌گیرد.

## ۲. پیشینه تحقیق

برنامه پژوهشی «اقتصاد قانون اساسی» از دهه ۱۹۷۰ توسط جیمز بوکانان<sup>۱</sup> و گوردون تالوک<sup>۲</sup> با کتاب محاسبه رضایت: بنیادهای منطقی دموکراسی مشروطه، شروع شده و در دهه ۱۹۹۰ به اوج و شکوفایی خود رسید (کدخدایی، ۱۳۹۹).

قانون اساسی یک سند در حقوق اساسی است و رویکرد سنتی اقتصاد سیاسی آن از زیرشاخه‌های نظریه انتخاب عمومی است. در زمینه حدود و ثغور فعالیت و نقش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد نظریه‌های مختلف مطرح شده است و قانون اساسی کشورها رویکردهای متفاوتی همراستا با نظریه‌های اقتصادی ذکر کرده‌اند. بوکانان و تالوک با تکامل نظریه انتخاب عمومی به تحلیل اقتصادی مشروعیت مدیریت‌های کلان بخش عمومی پرداخته‌اند. از دید مرکانتیلیست‌ها، دولت مکلف به تشویق صادرات و تأمین واردات کالاهای مصرفی است. فیزیوکرات‌ها تأمین آزادی کسب و کار و رقابت و امنیت را از دولت خواستارند.

تئوری دولت کلاسیک افزون‌براین موارد، داعیه عدالت و تأمین بعضی کالاهای عمومی را نیز دارد. در مکتب تاریخی، دولت به دنبال سیاست‌هایی جهت حمایت از بخش خصوصی است. نظریه حداقلی‌ها یک به‌شدت مخالف دنبال کردن عدالت اجتماعی از سوی دولت بوده و مدافع شدید حمایت از بازار است. تئوری دولت واقع‌نگر نئوکلاسیک با نقد نظریه‌های بازار رقابتی، خواستار دخالت دولت در موارد شکست بازار است. در این نظریه، تولید کالاهای عمومی، دامنه گسترده‌ای از تأمین امنیت و آموزش و بهداشت، تا مدیریت انحصارات، اثرات خارجی، اطلاعات نامتقارن و موضوع نابرابری‌های توزیعی را شامل می‌شود.

سازوکار کلی این خدمات متکی بر ظرفیت‌های نهادی جامعه و تا حد ممکن پرهیز از مداخلات مستقیم دولت است. در نظریه مارکسیستی، دولت یک سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، مجری و ناظر تا حذف بخش خصوصی است. نظریه‌های مدرن‌تر دولت نیز با گرایش‌های تلفیقی در این میان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. دولت کینزی با حمایت از ظرفیت‌های موجود در نظام سرمایه‌داری، دولت را مکلف به خارج کردن اقتصاد از مسیرهای رکودی و ایجاد اشتغال کامل می‌داند. دولت رفاه شاید به‌عنوان نظریه‌ای میانی و تلفیقی‌ترین نظریه رایج در دولت‌های مدرن نیز به دنبال عهده‌دار نمودن دولت جهت تضمین حداقل‌های معیشت و رفاه عمومی در جامعه است (تفضلی، ۱۳۹۱).

سیاست‌های تأمین رفاه عمومی، عموماً در محورهای مبارزه با فقر، بیمه‌های اجتماعی

1. J. Buchanan.

2. G. Tullock.

بیکاری، پیری و از کار افتادگی، مراقبت‌های پزشکی و کمک‌های درمانی و امثال اینها می‌باشد. تأمین مسکن مناسب، سلامت و بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی و امثال آن نیز در این ردیف قابل ذکر است (فریدمن، ۱۹۸۰).

تدوین قانون اساسی ج.ا.ا. در میانه این دوره با تبیین‌هایی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصاد همراه بوده است. تفصیل موضوعات اقتصادی در این سند حقوق اساسی تا آنجایی است که از آن به الگوی اقتصادی یاد شده است. در این الگو، نقش دولت در اقتصاد با ابزار و اهداف و مسئولیت‌های گوناگون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (زرین اقبال، ۱۳۸۵).

شیخی مهرآبادی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ضمن بررسی تحول تاریخی دولت در اقتصاد سعی کرده است به بررسی مبانی نظری دولت در اسلام و قانون اساسی ج.ا.ا. پردازد. مقاله نقش دولت در قانون اساسی و اسلام را در حد میانه دیده و آن را از افراط و تفریط دور می‌داند. محقق به این نتیجه رسیده که طبق قانون اساسی ج.ا.ا. دولت مکلف است در ناکارآمدی بازار و نوسانات شدید رکودی و تورمی به ایجاد وضعیت تعادلی کمک نماید.

سعیدی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های تدوین نظام رفاهی جامع در ایران بعد از انقلاب»، دولت قانون اساسی را دولت رفاه می‌داند و اشاره می‌کند که نبود یک سیاست اجتماعی جامع به این معنا که گفتمان مستقل سیاست اجتماعی به‌عنوان پیش‌زمینه برنامه‌ریزی برای این نوع سیاست‌ها وجود نداشته، را چالش اصلی نظام رفاهی مدنظر قانون اساسی می‌داند. محقق در بررسی برنامه‌های توسعه اجتماعی و تمایز آن با برنامه سیاست اجتماعی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، سعی کرده است از تجربیات تدوین سیاست اجتماعی در دیگر کشورهای دنیا، دولت رفاه‌های کلاسیک و بحران‌های موجود در آنها بهره جوید. پیله‌فروش (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» می‌نویسد وظایف اقتصادی تعیین شده برای دولت در قانون اساسی به‌گونه‌ای است که می‌توان الگوی اقتصادی قانون اساسی را «الگوی تأمین نیازهای اساسی» نامید. در این الگو دولت وظیفه دارد همه امکانات کشور را در جهت رفع نیازهای اساسی (شامل مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل و برخورداری از تأمین اجتماعی) همه افراد جامعه به کار گیرد. این الگو انعطاف‌پذیر، مرحله‌ای، هدفدار و قابل اندازه‌گیری بوده و با الگوی سیاسی و فرهنگی قانون اساسی کاملاً مرتبط است؛ به‌طوری‌که با عملیاتی شدن این الگو که همان تأمین نیازهای

اولیه هر انسان است شرط لازم پیشرفت فراهم می‌شود. در منطق قانون اساسی پیشرفت جامعه چیزی جز تحقق «انسان کامل» نیست.

کریم و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی خصوصی‌سازی در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی» می‌نویسند نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است و به این نتیجه می‌رسند که اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی ابلاغی از اهداف خود فاصله بسیار دارد و فضای لازم برای توسعه بخش خصوصی و غیردولتی فراهم نشده است. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نتوانسته به اهداف اجرایی خود برای توسعه بخش خصوصی و تعاونی دست یابد و تاکنون سهم بخش خصوصی واقعی از واگذاری‌ها حدود دوازده درصد و سهم بخش تعاون از کل اقتصاد معادل پنج درصد برآورد می‌شود.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اقتصاد بخش عمومی در الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های رفاه» به این نتیجه می‌رسند که نقش دولت در هر دو الگو مطابق با ادبیات اقتصادی متعارف بخش عمومی تا حد مناسبی قابل انطباق می‌باشد؛ اما در بررسی ادبیات مکتبی و ظرفیت نهادی دولت در دو الگو، ترجیحات نهادی قانون اساسی ج.ا. بر دولت رفاه نمایان شد. مشکلات ساختاری دولت و ناکارآمدی دولت‌های رفاه، به‌ویژه عدم تکافوی نظام هنجارهای اقتصادی (مکتب) آن در حوزه عمل که به دور شدن از اهداف عدالت خواهانه و عدم توازن در اقتصاد دامن زده است، منشأ اصلی این تفاوت است. این در حالی است که چارچوب هنجاری دولت در نظام اقتصادی قانون اساسی کشور قابلیت جبران کاستی‌های موجود را فراهم نموده است. در همین ارتباط توصیه شده دولت با بهره‌گیری از ظرفیت موجود مبنایی الگوی اقتصادی قانون اساسی در بخش غیردولتی، زمینه‌های مشارکت عموم در راستای تحقق اهداف موضوعه اقتصاد را تقویت نماید. به‌عنوان یک راهکار، دولت می‌تواند ضمن مراقبت از دائمی نشدن مداخلات غیرضروری خود در اقتصاد از طریق تمرکز بر بهبود و توسعه فرهنگ اقتصادی، به کارآمدی نظام اقتصادی در تحقق هدف عدالت اقتصادی و تصحیح حرکت انتقالی اموال کمک نماید.

کدخدایی و همکارش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نتیجه می‌گیرند رابطه عدالت اقتصادی و کارآمدی نظام در مطالعات مربوط به مبانی نظری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از میان سه رویکرد بی‌طرفی، تقابل و هماهنگی اغلب بر مبنای رویکرد هماهنگی قابل توصیف است.

افزون‌براین، به موجب قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی آن قانون، عدالت اقتصادی با عناصر مقوم کارآمدی اقتصاد مانند کارایی هماهنگ و همراستا لحاظ شده‌اند. با وجود این به لحاظ مطالعات اقتصادی در حوزه قوانین عادی مانند قوانین مالیاتی، تقابل و تضاد میان عدالت اقتصادی و عناصر زیرمجموعه کارآمدی اقتصادی ملاحظه می‌شود. بنابراین ضرورت دارد با توجه به هماهنگی موجود بین عدالت اقتصادی و کارآمدی اقتصادی در اسناد فرادستی، در سطوح نازل‌تر قانون‌گذاری و اجرایی نیز بیشترین کوشش در راستای ایجاد تعادل بین مؤلفه‌های در تضاد با یکدیگر صورت پذیرد.

### ۳. اهداف اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی ج.ا.ا. اقتصاد اهمیت قابل توجهی دارد؛ به طوری که فصل مستقلی به آن اختصاص یافته است. رشد و تعالی معنوی افراد جامعه، ایجاد عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی، اهداف عمده الگوی اقتصادی قانون اساسی هستند. قانون اساسی هدف از پرداختن به اقتصاد را رفع نیازهای انسان به عنوان ضرورت رشد و تکامل معنوی می‌داند. اقتصاد وسیله بوده و هدفی جز ارائه کارکرد بهتر در راه رشد و تعالی معنوی افراد در آن انتظار نمی‌رود. در ضمن عدالت اقتصادی در قانون اساسی از اهداف بسیار مهم است تا آنجا که اساس سامان اقتصاد براساس عدالت پی‌ریزی می‌شود. همچنین، قانون اساسی بر محترم شمردن مالکیت خصوصی افراد و کسب ثروت از راه‌های مشروع تأکید دارد (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

در حوزه اصول اقتصادی قانون اساسی می‌توان آنها را به اصول مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. اصول مستقیم، اصولی‌اند که در فصل چهارم قانون اساسی با عنوان «اقتصاد و امور مالی» از اصل ۴۳ تا اصل ۵۵ درج شده‌اند. اصول غیرمستقیم هم شامل همه اصولی می‌شود که در فصول مختلف جنبه‌های اقتصادی مستحکم دارند. در ادامه به تشریح اصول و اهداف کلان اقتصادی قانون اساسی پرداخته می‌شود:

#### ۳-۱. گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه

در رهیافت اقتصاد کلاسیک، مبنای مهم رشد اقتصادی با پذیرش افزایش شکاف طبقاتی در طی سال‌های پذیرش رشد اقتصادی است. فارغ از بحث رشد و نابرابری، اصولاً تجمع ثروت در دست گروه اقلیت و افزایش ضریب جینی در ماهیت نظام اقتصادی کلاسیک وجود دارد (استیگلیتز، ۲۰۱۳). از دید لیبرال کلاسیک، نابرابری هم با آزادی، هم کارایی و هم عدالت همراه است. در امر

مبارزه با فقر هم اقتصاددانان این رهیافت، ابتدا مخالف سیاست‌گذاری دولت برای کاهش فقر بودند؛ اما به دلیل حضور وسیع دولت در این حوزه در عمل با اعمال راهکارهایی به تعدیل پرداختند.

در مقابل، نظریه سوسیالیستی تأکید دارد که تلاش برای ارتقای سودآوری و انباشت سرمایه در نظام سرمایه‌داری، فقر و نابرابری را به همراه دارد. طبق این رهیافت نابرابری نتیجه طبیعی وجود نظام سرمایه‌داری است و تداوم آن نیز به تداوم نابرابری منجر می‌شود؛ از این رو در خصوص مبارزه با فقر هم نگرش رهیافت رادیکال‌ها اجرای برنامه‌های رفاهی عمومی، تضمین حداقل درآمد برای نیازهای اساسی و دخالت دولت برای تضمین آن و توزیع دارایی مانند وسایل کار و مالکیت عمومی و اشتراکی دارایی‌هاست.

در قالب نظریه اقتصاد اسلامی، اهداف اقتصادی دو خاستگاه غایی و مرحله‌ای دارد. اهداف مرحله‌ای بیشتر با امور متعارف اقتصاد سروکار دارد و مواردی مانند تأمین رفاه عمومی، برقراری زندگی شرافتمندانه و متعادل برای فرد و جامعه، رفع فقر و بیکاری، دستیابی به اقتصاد شکوفا، با ثبات و قابل رقابت با دیگر اقتصادها را شامل می‌شود؛ از این رو برقراری عدالت جزء اهداف غایی و اصلی در اقتصاد اسلامی تلقی می‌شود.

در خصوص بحث عدالت، در اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای اموری مانند رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند نهم)، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه (بند دوازدهم) به کار برد. در ضمن اصل ۲۹ چنین می‌نویسد: برخوردارگی از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری و... به صورت بیمه، حقی است همگانی.

در فصل چهارم و اصل ۴۳ می‌نویسد برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآورده کردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و... برای همه (بند اول)؛
- تأمین شرایط و امکانات کار به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند (بند دوم).

اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی... و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد.

به صورت خلاصه باید اشاره کرد که در ۹ فصل از ۱۴ فصل قانون اساسی و در قالب ۱۵ اصل، به صراحت به موضوع عدالت اجتماعی و اقتصادی، لزوم استقرار و گسترش آن در جامعه و لزوم وجود آن در حاکمان اصلی نظام اشاره شده است.

در ضمن برای جلوگیری از ایجاد و گسترش نابرابری و عدم تعادل اقتصادی نیز در قانون اساسی تأکید شده و برای دولت وظایف اقتصادی مشخص برای ایجاد تعادل، برابری و جلوگیری از گسترش نابرابری تعریف شده است. بررسی اصول قانون اساسی به ویژه اصول مندرج در فصل مالی و اقتصادی نشان می‌دهد که اگر کل قانون اساسی به طور یکجا در نظر گرفته و اجرا شود، همه موارد یادشده به طور کامل پوشش داده می‌شود. برای مثال، برای تنظیم درآمدها و ایجاد توزیع عادلانه ثروت در جامعه، دولت از یک طرف طبق اصول ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۴۹ و ۵۱ موظف شده است که ضمن گرفتن مالیات‌های قانونی، زمینه استفاده عادلانه از ثروت و منابع طبیعی را فراهم کند و از کسب درآمدهای نامشروع و حرام (ثروت‌های بادآورده و غیر مشروع)، اسراف، تبذیر و اضرار به غیر جلوگیری نماید و از سوی دیگر، با تعیین حدود مالکیت بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی به گونه‌ای عمل کند که ثروت در دست عده‌ای خاص نینجامد.

همچنین، در اصل ۴۸ به توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور بدون تبعیض اشاره شده است. در اصل ۱۰۱ نیز اشاره شده که به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و... شورای عالی استان‌ها... تشکیل می‌شود.

### ۳-۲. تعاون و حداکثرسازی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی

از نظر رهیافت کلاسیک، آنچه افراد را به مشارکت اقتصادی و کار وادار می‌کند، نیازهای مادی و اقتصادی (اصالت ماده) و نظام رقابت‌پذیری و ارزیابی است. لیبرال کلاسیک مخالف اتحادیه‌های کارگری است و آنها را به عنوان گروه‌هایی می‌بیند که منافع خودشان را با تخریب رقابت‌ها در بازار کار دنبال می‌کنند. در مقابل، از نظر رهیافت سوسیالیستی، کار یکی از ابعاد با ارزش وجود انسان است. از نظر رادیکال‌ها سلسله مراتب کارایی را کاهش می‌دهد. در ضمن اتحادیه‌های کارگری نقش مهمی دارند و از نظر رادیکال‌ها، هدف اصلی اتحادیه‌ها به چالش کشیدن قدرت سرمایه‌داری و افزایش قدرت چانه‌زنی نیروی کار است.

در مقابل این دو رهیافت و طبق نظریه اقتصاد اسلامی، وظیفه دولت اسلامی ایجاد زمینه برای اشتغال و کسب درآمد حلال و مشروع برای افراد است؛ از این رو اصول متعددی از قانون اساسی به



این مهم تأکید دارند. در اصل ۲۸ بیان شده دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. همچنین در اصل ۴۳ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند، ... اشاره شده است.

موضوع تعاون، همکاری و برادری اسلامی در جامعه اسلامی در همه ابعاد و از جمله اقتصاد، از موضوعاتی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در اصول مختلف قانون اساسی بر آن تأکید شده است. در بند ۱۵ اصل سوم بیان شده که توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم به عنوان یکی از وظایف حکومت جهت نیل به اهداف عالی مندرج در اصل دوم وارد شده است. اصل هفتم، در خصوص تشکیل شوراهای اسلامی است. اصل ۴۴ هم یکی از سه بخش نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را بخش تعاونی می‌داند.

بنابراین، در یک نگاه کلی ملاحظه می‌شود که قانون اساسی بر تعاون، همکاری، برادری عمومی و مشارکت همگانی در امور تأکید می‌کند. این امر، نشان دهنده اهمیت موضوع، حاکمیت روحیه اخوت و برادری اسلامی و تعاون همگانی در همه بخش‌های نظام جمهوری اسلامی است. در ضمن طبق اصل ۲۸ دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

### ۳-۳. منع درآمدهای غیر مشروع و حرام و لزوم بازگشت آن به ذی حقان (و بیت المال)

وظیفه دولت اسلامی در ایجاد زمینه برای اشتغال و کسب درآمد حلال و مشروع برای افراد، براساس روح کلی حاکم بر اصول قانون اساسی برگرفته از اصول و موازین اسلامی واضح و آشکار است. در اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور کاهش تشدید طبقاتی شدن جامعه و جلوگیری از گسترش فساد مالی و اقتصادی و توسعه فقر، یکی از وظایف دولت را پس گرفتن ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، دایر کردن اماکن فساد و دیگر موارد نامشروع، و استرداد به صاحب حق و در صورت معلوم نبودن او برگرداندن آنها به بیت المال می‌داند.

### ۳-۴. مسئله مالکیت و حیطة دخالت دولت در اقتصاد

در زمینه مسئله مالکیت، نظام سرمایه‌داری لیبرال مالکیت خصوصی را به صورت شکل واحد مالکیت می‌پذیرد. در اقتصاد سیاسی لیبرالیسم، دولت حداقلی، فضای اقتصاد را برای حضور و

توسعه بخش خصوصی فراهم خواهد کرد؛ از این رو خصوصی سازی از مهم ترین مشخصه های اقتصاد آزاد است. آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود با تبیین اصول اقتصاد آزاد بر مبنای انگیزه «سودطلبی» از طریق «دست نامرئی» اساس فعالیت بخش خصوصی و پرهیز از دخالت دولت در اقتصاد را در قالب کارکرد مکانیسم بازار پی ریزی کرد.

در نظریه سوسیالیستی، مالکیت خصوصی پذیرفتنی نیست و با نفی مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی بر ابزار تولید به عنوان اصل نظام و تنها شکل مالکیت پذیرفتنی است. در این رویکرد اصل بر مالکیت دولتی بوده و مالکیت اشتراکی به عنوان یک قاعده عام پذیرفته شده است. مالکیت فردی در این جوامع خلاف قاعده تلقی می شود و فقط در موارد ضروری طرح شده است (صدر، ۱۳۵۰، ص ۳۵۵). با وجود این، نظریه اقتصاد اسلامی مالکیت مختلط را محترم می داند و سه نوع مالکیت خصوصی، عمومی و مالکیت امام (دولت اسلامی) به عنوان مبانی مالکیت پذیرفته شده است. بر پایه اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی تقسیم بندی بخش های مختلف اقتصاد و حیطه مالکیت و فعالیت این بخش ها مشخص شده که در آن اقتصاد ایران سه حوزه فعالیت دولتی، خصوصی و تعاونی خواهد داشت.

در زمینه موضوع حیطه دخالت دولت در اقتصاد نیز در دکترین اقتصاد کلاسیک و نظام اقتصاد سرمایه داری، که بر اساس فلسفه دئیسم و قطع رابطه خداوند با طبیعت و تعادل خودکار طبیعت و بر پایه تعادل اقتصادی خودکار به عنوان اصل اقتصادی است، مداخله دولت برای ایجاد تعادل ضروری نیست؛ بلکه عامل ایجاد اختلال در مکانیسم تعادل تلقی می شود. از این رو دولت نقش و وظایف حداقلی دارد. در نقطه مقابل این مکتب، نظریه سوسیالیستی قرار دارد. از نظر مارکس دولت فرایندی برای حفظ منافع طبقات محسوب شده و برخلاف نگرش نئوکلاسیک ها، عنصری برونزا و بی طرف نمی باشد.

از این رو دولت نفع طبقاتی و منافع جامعه را در نظر گرفته، نفع فردی را نادیده می گیرد. سوسیالیست ها هیچ دغدغه ای در باره محدودیت های قدرت دولت ندارند و به دولت بزرگ با دخالت بیشتر در اقتصاد اعتقاد دارند. در نظریه اقتصاد اسلامی دولت ضمن تعهد برای ایفای وظایف دولت در رهیافت کلاسیک، اتخاذ تدابیر در جهت تأمین عدالت و منافع عمومی را نیز بر عهده دارد. دولت با حفظ احکام و قوانین ثابت، از اختیارات وسیعی در وضع مقررات برخوردار بوده و امکان مقابله با مشکلات اقتصادی را دارد (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۶-۲۳۷).

از مجموع ۱۳ اصلی که در فصل چهارم قانون اساسی درج شده، دو اصل اول یعنی اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی پایه ای و مهم اند که اهداف، حیطه و دامنه فعالیت های اقتصادی دولت و غیر

دولت را مشخص کرده‌اند. اصل ۴۳، اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی را بیان می‌کند و اصل ۴۴، تقسیم‌بندی بخش‌های مختلف اقتصاد و حیطه مالکیت و فعالیت این بخش‌ها را تعیین می‌نماید. گفتنی است براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. در بند ۲ از اصل ۴۳ آمده است که دولت نباید به یک کارفرمای بزرگ تبدیل شود. در ضمن در بند دهم از اصل سوم به ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور اشاره شده است.

### ۳-۵. رفاه و پیشرفت اقتصادی، استقلال اقتصادی و وابستگی نداشتن به بیگانه

در اقتصاد کلاسیک، سیاست درهای باز و تجارت آزاد، کاهش تعرفه‌ها و حذف محدودیت‌های وارداتی، خصوصی‌سازی گسترده و آزادسازی قیمت‌ها دنبال و تجویز می‌شود. در مقابل، از دیدگاه رادیکال و سوسیالیستی، ناپایداری در سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این رو در این دیدگاه خروج از بحران نظام سرمایه‌داری از طریق افزایش مخارج دولت، شکل‌گیری دولت رفاه، افزایش سطح تنظیم‌گری و دخالت دولت و افزایش سطح مذاکره دسته جمعی اتحادیه و حمایت‌گرایی گسترده دولت، خودکفایی و جایگزینی واردات حاصل می‌شود. در ضمن در این رهیافت کنترل و تثبیت شرایط اقتصادی بیشتر توسط بخش عمومی و ابزار مالکیت راه حلی موقت برای خروج از ناپایداری است.

در قانون اساسی در بندها و اصول مختلف آن به ایجاد رفاه و رفع فقر و خودکفایی و عدم وابستگی اقتصادی به خارج به صورت صریح اشاره شده است. استقلال اقتصادی در دو معنای ایجاد خودکفایی و تأمین آزادی‌های اقتصادی به کار رفته، تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت کشاورزی و امور نظامی با مسئولیت دولت در اصولی از قبیل بند ششم در اصل ۳ و بندهای ۳ و ۷ در اصل ۴۳، مورد تأکید قرار گرفته و رشد و توسعه اقتصادی از جمله اهداف بوده و قانون اساسی با تأکید بر آن، به ضرورت لوازم تحقق چنین رشدی اشاره نموده است. برخی از این بندها و اصول در این راستا عبارت‌اند از:

- بند دوازدهم از اصل سوم: پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر؛
- بند سیزدهم از اصل سوم: تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و ...؛
- بند هفتم از اصل چهارم و سوم: در این اصل الگوی استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت نیاز برای توسعه و پیشرفت اقتصادی را ضروری می‌شمارد؛

- بند هشتم از اصل چهل و سوم: جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
- بند نهم از اصل چهل و سوم: تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

#### ۴. چارچوب نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی

شاخص‌ها و نماگرهای ترکیبی از مؤثرترین ابزارهای ارزیابی عملکرد در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی هستند؛ از این رو تعداد شاخص‌های ترکیبی روزبه‌روز در حال افزایش است؛ به طوری که تا سال ۲۰۱۳ قریب به ۱۶۰ شاخص ترکیبی در سراسر دنیا استفاده شده است (باندورا، ۲۰۱۴).<sup>۱</sup> در حال حاضر OECD<sup>۲</sup> و JRC<sup>۳</sup> به عنوان اصلی‌ترین متولیان ترویج استفاده از شاخص‌های ترکیبی هستند. به صورت خلاصه چارچوب نظری و مراحل ساخت این شاخص‌ها به صورت زیر است:<sup>۴</sup>

**گام اول: چارچوب نظری:** به عنوان نخستین و پایه‌ای‌ترین گام باید در ابتدا چارچوب نظری مناسب را برای فراهم آوردن بنیان انتخاب و با ترکیب نماگرهای منفرد در یک نماگر ترکیبی معنادار شکل داد.

**گام دوم: انتخاب متغیرها:** نقاط قوت و ضعف شاخص‌های ترکیبی عمدتاً ناشی از کیفیت متغیرهای اصلی است. نوع متغیرهایی که انتخاب شده‌اند، نماگرهای ورودی، خروجی و یا نماگرهای طی فرآیند، باید با تعریف قرار داده شده در نماگر ترکیبی سازگار شوند.

**گام سوم: انتساب داده‌های گمشده:** داده‌های گمشده معمولاً مانع از ایجاد و بسط نماگرهای ترکیبی قدرتمند می‌شوند. سه روش کلی برای حل مشکل داده‌های گمشده وجود دارد: ۱. حذف مورد؛ ۲. انتساب منفرد و ۳. انتساب چندگانه.

**گام چهارم: تحلیل چندمتغیره:** گاه نماگرهای منفرد به صورت دلخواه انتخاب می‌شوند و در انتخاب آنها توجه چندانی به روابط بین آنها نمی‌شود. بنابراین باید اطلاعات در دو بعد از مجموعه داده‌ها یعنی نماگرهای منفرد و گروهی تحلیل و گروه‌بندی شوند که برای این منظور از روش‌های

1. Bandura R (2014).

2. OECD: Organization for Economic Co-operation and Development.

3. European Commission - Joint Research Centre.

۴. مطالب این بخش (چارچوب نظری) برگرفته از Handbook on Constructing Composite Indicators می‌باشد که در سال ۲۰۱۴ توسط OECD انتشار یافته است.

5. Missing data.

مختلف آماری نظیر تجزیه به مولفه‌های اصلی<sup>۱</sup> PCA، تحلیل خوشه‌ای<sup>۲</sup> تجزیه عاملی<sup>۳</sup> (FA) استفاده می‌شود. تکنیک آماری تجزیه عاملی (FA)، روش آماری ساده و متعارف است که غالباً برای بررسی گروهی از متغیرهای همبسته به کار می‌رود که در مقاله حاضر از این روش بهره گرفته شد.

**گام پنجم: نرمال‌سازی<sup>۴</sup> داده‌ها:** نرمال‌سازی پیش از هرگونه تجمیع داده‌ها جهت ایجاد یک نماگر روی مجموع داده‌ها مورد نیاز است که واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی دارند. تعدادی از روش‌های نرمال‌سازی عبارت‌اند از: ۱. رتبه‌بندی<sup>۵</sup>؛ ۲. استانداردسازی (Z-scores)؛ ۳. روش حداقل-حداکثر Max-Min؛ ۴. روش مقیاس‌گذاری طبقه‌ای<sup>۶</sup>؛ ۵. روش فاصله از یک مرجع<sup>۷</sup>.

**گام ششم: وزندهی و تجمیع‌سازی<sup>۸</sup>:** در تهیه شاخص‌های ترکیبی گاه لازم است تا وزن و درجه‌ای از اهمیت برای هر یک از نماگرها و شاخص‌های انفرادی در ایجاد شاخص ترکیبی محاسبه شود. برخی از انواع معروف این روش‌های وزندهی عبارت‌اند از: فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، تحلیل عاملی (FA)<sup>۹</sup>، روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)<sup>۱۰</sup>، مراجعه به افکار عمومی (خرد جمعی) و تحلیل توأم (CA)<sup>۱۱</sup>. درخصوص روش‌های تجمیع<sup>۱۲</sup> نیز یکی از ساده‌ترین روش‌ها، محاسبه رتبه‌های هر کشور با توجه به شاخص‌های منفرد و جمع کردن رتبه‌های منتج است.

**گام هفتم: تحلیل مقاومت<sup>۱۳</sup> و حساسیت<sup>۱۴</sup>:** تحلیل حساسیت برای ارزیابی قدرت نماگرهای ترکیبی به کار می‌رود. راهکارهایی که برای ارزیابی عدم قطعیت<sup>۱۵</sup> می‌تواند به کار رود عبارت‌اند از: ۱. حذف یا در نظر گرفتن نماگرهای منفرد؛ ۲. مدل‌سازی خطای داده‌ها؛ ۳. انتساب‌های منفرد

- 
1. Principal Component Analysis.
  2. cluster analysis.
  3. Factor Analysis.
  4. Normalization.
  5. Ranking of indicators across countries.
  6. Categorical scales.
  7. Distance to a reference country.
  8. Weighting and aggregation.
  9. factor analysis .
  10. Data Envelopment Analysis.
  11. Conjoint Analysis.
  12. Aggregation method.
  13. Robustness Analysis.
  14. Sensitivity Analysis.
  15. Uncertainties.

یا چندگانه؛ ۴. به کارگیری روش‌ها و طرح‌های مختلف نرمال‌سازی داده‌ها؛ ۵. به کارگیری روش‌های مختلف وزن‌دهی؛ ۶. به کارگیری سیستم‌های مختلف تجمیع‌سازی مانند خطی، میانگین هندسی و مرتب‌سازی چند معیاره.

گام هشتم: نمایش و انتشار:<sup>۱</sup> نمایش نماگرهای ترکیبی به روش‌های مختلف نظیر نمودار، جدول و تار عنکبوتی

### ۵. ارزیابی تحقق میزان اهداف کلان اقتصادی قانون اساسی ج.ا.ا.

در این بخش مقاله سعی خواهد شد عملکرد دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه بعد از انقلاب اسلامی به صورت موشکافانه و مبتنی بر میزان تحقق اصول و اهداف اقتصادی قانون اساسی و شاخصه‌های اقتصاد در اسلام ارزیابی و تحلیل شوند. بعد از انقلاب اسلامی ایران تا کنون پنج برنامه توسعه اجرا شده است؛ از این رو سعی می‌شود تحلیل عملکرد برنامه‌های توسعه ایران در جهت‌گیری و تحقق اهداف و اصول اقتصادی قانون اساسی با رویکرد کمی و آماری براساس ساخت شاخص‌های ترکیبی بررسی و ارزیابی مقایسه‌ای شوند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق و نیز اصول و اهداف اقتصادی مندرج در قانون اساسی ج.ا.ا. ایران، پنج محور اصلی زیر در حوزه اقتصادی به‌عنوان معیارهای بازگوکننده تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی طی دوره جنگ و برنامه‌های پنج ساله توسعه شناسایی شدند. محورهای اصلی در نظر گرفته شده در این مقاله به قرار ذیل هستند:

۱. بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه؛ ۲. مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی؛ ۳. مالکیت و حیطه دخالت دولت در اقتصاد؛ ۴. رفاه و پیشرفت اقتصادی؛ ۵. استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصادی کشور.

براساس محورهای پنج‌گانه اصلی، اجزای تشکیل‌دهنده آنها یا همان محورهای فرعی، به شرح جداول زیر انتخاب شده و معرفی می‌شوند:

#### محور اصلی ۱. بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه

از جمله محورهای مؤثر و مهم در ارزیابی تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی، بسط و گسترش «عدالت اقتصادی، محرومیت‌زدایی و فقرزدایی» است. در واقع این محور جزء اهرم‌های بالقوه و مهم برای تبیین حکمرانی خوب در اسلام است. همچنین، اصول متعدد قانون اساسی همچون اصول

1. Presentation and dissemination.

اقتصادی (۴۳)، (۲۹)، (۴۸) و (۳) نسبت به بسط و گسترش عدالت اقتصادی در جامعه تأکید کرده است. محورهای فرعی محور اصلی «عدالت اقتصادی و اجتماعی» به قرار ذیل انتخاب شدند:

جدول ۱: محورهای فرعی مؤثر در محور اصلی «بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه»

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	منفی	جمعیت زیر خط فقر (براساس معیار هزینه - درآمد دهک سوم جامعه / مرکز آمار ایران)
۲	منفی	شکاف فقر براساس PPP در ۲ دلار
۳	منفی	ضریب جینی
۴	منفی	سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت

### محور اصلی ۲. «مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی»

از جمله اصول مهم اقتصاد در اسلام و نیز مصرح در قانون اساسی کشور که در سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم بدان اشاره شده، مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی است. محورهای فرعی زیر ذیل این محور اصلی انتخاب شدند:

جدول ۲: محورهای فرعی مؤثر در محور اصلی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	مثبت	نرخ مشارکت اقتصادی
۲	منفی	نرخ بیکاری
۳	مثبت	تعداد کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط به کل کارگاه‌های صنعتی کشور
۴	مثبت	سهم بخش تعاون از اقتصاد

### محور اصلی ۳. «مالکیت و حیطة دخالت دولت در اقتصاد»

در نظام‌های اقتصادی امروز دنیا، اقتصاد دولت‌محور و اقتصادهای با اندازه قابل توجه دولت، جایی در توسعه ندارند. در نظریه اقتصاد اسلامی نیز به واگذاری امور به مردم و توسعه بخش خصوصی و تعاونی تأکید شده است؛ از این‌رو از جمله اهداف مهم اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رشد و توسعه دو بخش تعاونی و خصوصی در کنار حضور دولت در اقتصاد است و در اصل ۴۴ قانون اساسی ذکر شده که اقتصاد ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است.

همچنین، در بند ۲ از اصل ۴۳ اشاره می‌کند که دولت نباید به یک کارفرمای بزرگ تبدیل شود. در ضمن در بند دهم از اصل سوم به ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور اشاره شده است؛ از این رو محورهای فرعی در نظر گرفته شده در این بخش به شرح ذیل است:

جدول ۳: محورهای فرعی مؤثر در «مالکیت و حیطة دخالت دولت در اقتصاد»

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	منفی	اندازه دولت (بودجه به تولید)
۲	مثبت	سهم بخش خصوصی از اقتصاد
۳	مثبت	سهم بخش تعاون از اقتصاد

#### محور اصلی ۴. «رفاه و پیشرفت اقتصادی»

هر چقدر وضعیت رفاه، رونق و پیشرفت اقتصادی در سطح جامعه بهبود یابد، هم با نظریه اقتصاد در اسلام سازگار و همراستا است. همچنین، نشانگر تحقق اصول (۳) و (۴۳) قانون اساسی خواهد بود. اجزای تشکیل دهنده این محور به عنوان محورهای فرعی براساس نوع تأثیر آنها در تعیین محور اصلی عبارت‌اند از:

جدول ۴: محورهای فرعی مؤثر در محور اصلی «رفاه و پیشرفت اقتصادی»

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	مثبت	رشد درآمد سرانه (قدرت خرید مردم / تولید ناخالص داخلی سرانه به قدرت برابری خرید)
۲	مثبت	دسترسی به تلفن (ضریب نفوذ تلفن) (درصد)
۳	مثبت	برخورداری جمعیت از آب آشامیدنی (درصد)
۴	مثبت	برخورداری جمعیت کشور از نعمت برق (درصد)
۵	مثبت	ضریب نفوذ کاربران اینترنت (درصد)
۶	مثبت	ضریب نفوذ تلفن همراه (درصد)
۷	مثبت	رشد سالانه تولید و عرضه مسکن در سطح کشور

#### محور اصلی ۵. استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصادی کشور

در بند سیزدهم از اصل سوم به تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و در بند هشتم از اصل چهل و سوم به جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور اشاره شده است. در بند نهم از اصل چهل و سوم بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی به طوری تأکید شده است که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند؛ از این رو استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی اقتصادی کشور و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه



بر اقتصاد کشور با محوریت خودکفایی و افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی از جمله مهم‌ترین اهداف اقتصادی مدنظر قانون اساسی است. اجزای تشکیل دهنده این محور به‌عنوان محورهای فرعی براساس نوع تأثیر آنها در تعیین محور اصلی عبارت‌اند از:

جدول ۵: محورهای فرعی مؤثر در محور اصلی «استقلال اقتصادی و عدم وابستگی به واردات»

نسبت واردات کالاهای اساسی به کل واردات	منفی	۱
رشد واردات کالاهای مصرفی	منفی	۲
رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای	مثبت	۳
سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	مثبت	۴
سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی	مثبت	۵

#### ۵-۱. تحلیل و توصیف آماری و محاسبه شاخص ترکیبی

#### ۵-۱-۱. تحلیل و توصیف آماری محورهای اصلی طی دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های

#### پنج ساله توسعه

به دلیل گستردگی تحلیل‌های آماری مربوط به محورهای اصلی و فرعی و از سوی دیگر محدودیت ارائه تصویر جامع آماری از تمامی محورهای فرعی در مقاله حاضر، سعی شد از هر محور اصلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های (محورهای) فرعی طی دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه به تصویر کشیده شود.

#### الف. محور اصلی رفاه و پیشرفت اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی طی دوره جنگ تحمیلی و پنج برنامه پنج ساله توسعه کشور در جدول شماره (۶) آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین رشد اقتصادی در برنامه اول توسعه و کمترین رشد در دوره جنگ تحمیلی بوده است؛ البته در بین برنامه‌های توسعه کمترین رشد برای برنامه پنجم توسعه رخ داده است.

جدول ۶: متوسط رشد اقتصادی طی دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور

عنوان	دوره جنگ تحمیلی	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
متوسط رشد اقتصادی	-۱٫۶	۷٫۴	۳٫۲	۶٫۱	۴٫۴	-۰٫۳۸

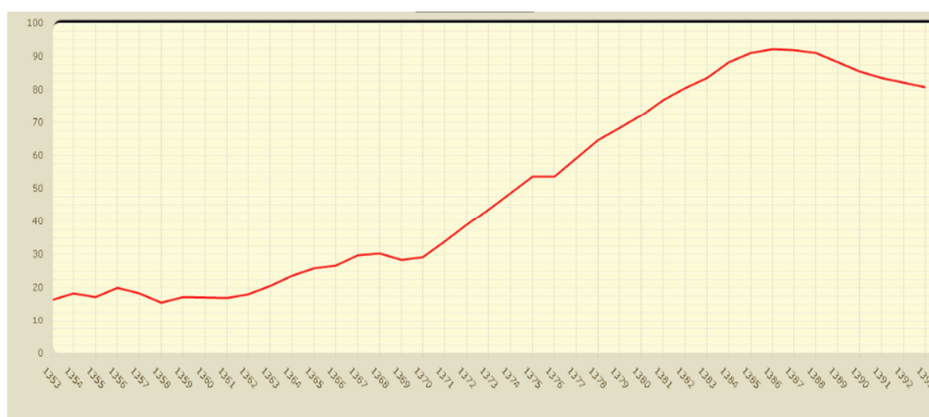
مأخذ: سازمان برنامه و بودجه

همچنین، وضعیت رفاه و توسعه زیرساخت‌ها بعد انقلاب اسلامی و به تفکیک برنامه‌های توسعه به شرح جدول (۷) و نمودارهای (۱) تا (۳) به تصویر کشیده شده است. همان‌طورکه مشاهده می‌شود روند توسعه زیرساخت‌ها طی برنامه‌های توسعه کشور روندی صعودی بوده است. باوجوداین، تغییرات و درصد افزایش تولید زیرساخت‌ها در برنامه چهارم توسعه روند شتابان داشته است.

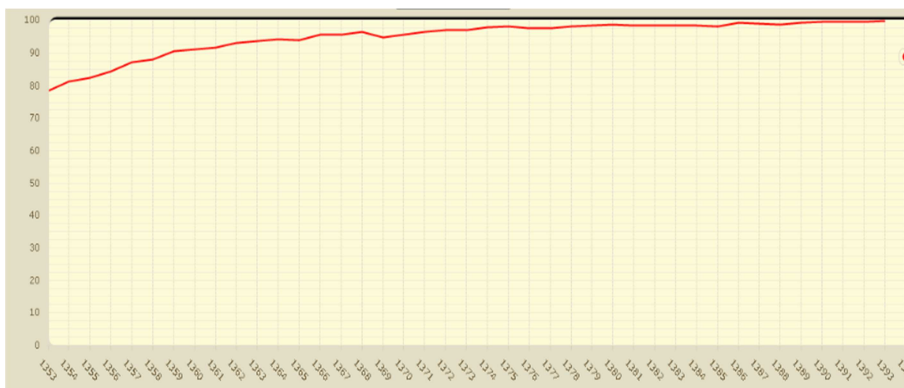
جدول ۷: متوسط تولید برق و ضریب نفوذ تلفن طی برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور

عنوان	برنامه اول ۶۸-۷۲	برنامه دوم ۷۴-۷۸	برنامه سوم ۷۹-۸۳	برنامه چهارم ۸۴-۸۸	برنامه پنجم ۹۰-۹۴
تولید برق (میلیون کیلووات ساعت)	۶۴۱۲۶	۹۰۸۵۱	۱۳۰۰۲۹	۱۹۲۵۳۵	۲۷۴۴۷۹
برخورداری از تلفن ثابت (درصد)	۲۸٫۹	۵۳٫۴	۷۲٫۱	۹۱٫۱	۸۰٫۸

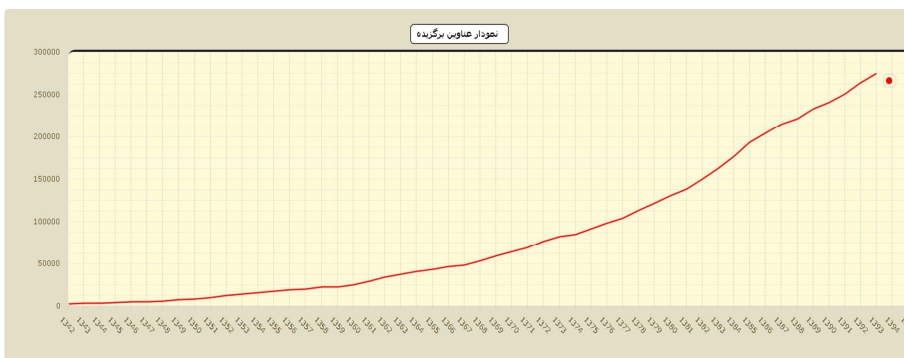
مأخذ: مرکز آمار ایران



نمودار ۱: روند دسترسی به تلفن (ضریب نفوذ تلفن) (درصد) (۱۳۵۳-۹۴)



نمودار ۲: روند دسترسی به آب لوله‌کشی (درصد) (۱۳۵۳-۹۴)



نمودار ۳: روند تولید برق (میلیون کیلووات ساعت) (۱۳۵۳-۹۴)

ب. محور اصلی بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه

وضعیت شاخص‌های توزیع درآمد در اقتصاد ایران بعد انقلاب اسلامی و به تفکیک برنامه‌های توسعه به شرح جدول (۸) آورده شده است:

جدول ۸: وضعیت توزیع درآمد در اقتصاد ایران

دوره و برنامه‌های توسعه	دوره ۶۷-۱۳۵۷	برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)	برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴)	برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹)	برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴)	برنامه پنجم (۹۴-۱۳۹۰)
ضریب جینی	۰/۴۱۷	۰/۳۹۸	۰/۳۹۹	۰/۴۰۶	۰/۳۹۶۸	۰/۳۷۵
سه‌م ۱۰ درصد ثروتمندترین به فقیرترین جمعیت	۱۹/۷۱۸	۱۶/۳۴۰	۱۵/۱۸۰	۱۵/۴۲	۱۴/۴۴	۱۱/۵۱

## ج. محور اصلی اندازه دولت در اقتصاد

نتایج اندازه دولت در جدول زیر محاسبه و آورده شده است. همان‌طورکه ملاحظه می‌شود اندازه دولت مرکزی و اندازه بخش عمومی در برنامه چهارم توسعه بیشترین و در برنامه اول توسعه کمترین بوده است.

جدول ۹: اندازه دولت مرکزی و بخش عمومی در برنامه‌های پنج ساله توسعه

دوره	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
سال	۷۲-۱۳۶۸	۷۸-۱۳۷۳	۸۳-۱۳۷۹	۸۸-۱۳۸۴	۹۴-۱۳۹۰
اندازه دولت مرکزی (نسبت بودجه عمومی به تولید)	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۳/۸	۲۱/۹
اندازه بخش عمومی	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳	۷۳/۳	۷۰/۴

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق.

## د. محور اصلی مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی

وضعیت نرخ بیکاری در اقتصاد ایران بعد انقلاب اسلامی و به تفکیک دوره جنگ و برنامه‌های توسعه به شرح جدول زیر است. همان‌طورکه مشاهده می‌شود کمترین نرخ بیکاری در برنامه اول توسعه و بیشترین نرخ بیکاری نیز در برنامه دوم توسعه بوده است. گفتنی است در دوره جنگ تحمیلی متوسط نرخ بیکاری معادل ۱۴/۲ درصد گزارش شده است.

جدول ۱۰: متوسط نرخ بیکاری طی دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور

عنوان	دوره جنگ تحمیلی	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
نرخ بیکاری (درصد)	۱۴/۲	۹/۱	۱۳/۰۳	۱۲/۶۸	۱۱/۱۲	۱۱/۲۸

مأخذ: مرکز آمار ایران.

## ه. محور اصلی «استقلال اقتصادی و عدم وابستگی به واردات»

همان‌طورکه از نتایج جدول ۱۱ مشخص است سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در دوره جنگ تحمیلی بالاترین (۱۳/۲۴ درصد) و در برنامه پنجم توسعه کمترین سهم (۶/۷۵ درصد) را داشته است. برای سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی نیز برنامه سوم توسعه بهترین وضعیت (۲۴/۸ درصد) و برنامه چهارم توسعه کمترین سهم (۲۱/۵۷ درصد) را داشته است.

جدول ۱۱: متوسط رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنایع و معادن

عنوان	دوره جنگ تحمیلی	برنامه اول ۷۲-۶۸	برنامه دوم ۷۸-۷۴	برنامه سوم ۸۳-۷۹	برنامه چهارم ۸۸-۸۴	برنامه پنجم ۹۴-۹۰
سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (درصد)	۱۳/۲۴	۱۲/۸	۱۰/۸۴	۸/۰۲	۶/۹۸	۶/۷۵
سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی (درصد)	۲۱/۸	۲۳/۷	۲۲/۹	۲۴/۸	۲۱/۵۷	۲۲/۷۵

### ۵-۱-۲. محاسبه نتایج

حال با توجه به محورهای پنج‌گانه اصلی معرفی شده و بیست و سه محور فرعی مرتبط با محورهای اصلی، شاخص ترکیبی برای سنجش و ارزیابی میزان تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی در دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه ساخته و محاسبه شد. برای ساخت ترکیبی نیز از روش فاصله از مرجع استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا بعد از تعیین محورهای فرعی محورهای پنج‌گانه اصلی، در هر محور فرعی (شاخص فرعی) برای پنج برنامه توسعه کشور آمار و اطلاعات جمع‌آوری و سپس بهترین عملکرد محور فرعی در برنامه‌های توسعه مشخص شد ( $maxx_{ij}$ ) و برای آن برنامه در محور فرعی مذکور عدد یک یا ۱۰۰ منظور شد و برنامه‌های توسعه بعدی در آن محور فرعی مقدار عددی (به درصد) دوری از رهبر ( $maxx_{ij}$ ) را به خود اختصاص دادند. سپس با وزن یکسان میانگین محورهای فرعی ذیل محور اصلی محاسبه شد که نشانگر امتیاز هر کدام از برنامه‌های پنج ساله توسعه در آن محور اصلی بودند. در نهایت با میانگین‌گیری حسابی و رتبه‌ای، رتبه نهایی هر محور اصلی برای هر برنامه توسعه مد نظر مشخص شد.

طبق نتایج حاصل از ساخت شاخص ترکیبی به روش فاصله از مرجع برای محورهای پنج‌گانه اصلی با وزن یکسان و نیز محاسبه میانگین حسابی از محورهای مذکور برای دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه (از برنامه اول توسعه تا برنامه پنجم توسعه) مشاهده می‌شود که در مقایسه و ارزیابی عملکرد دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه کشور از منظر تحقق اهداف و اصول اقتصادی قانون اساسی، نزدیک‌ترین قرابت و همراستایی به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین: ۶۵/۶۶)؛ برنامه چهارم توسعه (میانگین: ۶۴/۴۴)؛ برنامه اول توسعه (میانگین: ۶۰/۷۴)؛ برنامه پنجم توسعه (میانگین: ۵۷/۵۲)؛ و برنامه دوم توسعه (میانگین: ۵۵/۲۳)؛ و بالاخره دوره جنگ تحمیلی (میانگین: ۵۰/۴۶) متجلی شده است؛ البته باید اشاره کرد که در دوران جنگ تحمیلی در اکثر محورهای پنج‌گانه، چالش‌های نابرابری بالای دهه ۵۰ش، مشکلات اقتصادی تحمیل شده و ناشی از جنگ و نیز آغاز توسعه زیرساخت‌های رفاهی در کشور را باید در تحلیل نتیجه شاخص ترکیبی مد نظر قرار داد.

در ضمن در محور اصلی رفاه و پیشرفت اقتصادی، بهترین عملکرد در بین برنامه‌های پنج ساله توسعه را برنامه سوم توسعه داشته است. برنامه چهارم توسعه بهترین وضعیت را در بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه داشته است. در زمینه مالکیت و حیطه دخالت دولت در اقتصاد بهترین وضعیت در برنامه چهارم توسعه محقق شده است. در محور اصلی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی برنامه اول بهترین جایگاه و رتبه را داشته و در محور اصلی استقلال اقتصادی نیز برنامه سوم توسعه عملکرد و شتاب بیشتری داشته‌اند.

جدول ۱۲: عملکرد دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های پنج ساله توسعه در محورهای اصلی پنج‌گانه

برنامه پنج ساله توسعه	رفاه و پیشرفت اقتصادی	بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی	رتبه	مالکیت و حیطه دخالت دولت	رتبه	مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی	رتبه	استقلال اقتصادی و عدم وابستگی	رتبه	میانگین محورهای اصلی	رتبه شاخص کل
دوره جنگ تحمیلی	۵۲٫۷۵	۵۰٫۸۲	۴	۴۰٫۶۵	۶	۴۲٫۰۸	۶	۶۵٫۹۸	۴	۵۰٫۴۶	۶
برنامه اول	۷۰٫۵۶	۵۰٫۴۷	۵	۴۹٫۸۲	۵	۶۲٫۱۲	۱	۷۰٫۷۲	۲	۶۰٫۷۴	۳
برنامه دوم	۶۲٫۲۷	۴۷٫۸۵	۶	۵۵٫۸۰	۳	۴۵٫۹۷	۵	۶۴٫۲۶	۵	۵۵٫۲۳	۵
برنامه سوم	۷۴٫۸۱	۶۳٫۷۱	۳	۵۲٫۵۳	۴	۳۵۷٫۶	۳	۷۹٫۶۱	۱	۶۵٫۶۶	۱
برنامه چهارم	۶۴٫۷۶	۶۵٫۵۷	۱	۶۴٫۱۷	۱	۵۸٫۸۰	۲	۶۸٫۹۰	۳	۶۴٫۴۴	۲
برنامه پنجم	۵۷٫۹۲	۶۴٫۹۸	۲	۶۰٫۱۸	۲	۵۱٫۳۸	۴	۵۳٫۱۲	۶	۵۷٫۵۲	۴

### جمع‌بندی

این مقاله به تحلیل عملکرد اقتصاد ایران از زاویه میزان پایداری، اجرا و تحقق مظاهر، مصادیق و راهبردهای مدنظر اقتصاد اسلامی در کشور پرداخته است که تبلور آن در اصول قانون اساسی ج.ا.ا. است. در واقع هدف مقاله، تبیین و تحلیل موشکافانه سه واژه به هم پیوسته یعنی نظریه و مکتب اقتصاد اسلامی، اصول اقتصادی قانون اساسی و جریان‌شناسی اقتصاد ایران در برنامه‌های

پنج ساله توسعه کشور بود. بعد از انقلاب اسلامی، تاکنون پنج برنامه توسعه اجرا شده، لذا سعی شد عملکرد برنامه‌های توسعه ایران در کنار دوران جنگ تحمیلی در جهت‌گیری و تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی از دو منظر ۱. تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای عملکرد برنامه‌ها و ۲. تحلیل کمی براساس ساخت شاخص‌های ترکیبی باشد.

برای این منظور با مروری خلاصه بر مکاتب اقتصاد (سیاسی) دنیای غرب و رهیافت‌های اصلی آنها، تبیین نظریه اقتصاد اسلامی و تمرکز بر مصادیق و راهبردهای اقتصاد اسلامی متجلی در قانون اساسی ج.ا.ا. و مقایسه جهان‌بینی و مبانی نظری رهیافت‌های اصلی اقتصادی متعارف با رهیافت اقتصاد اسلامی، معیارها و شاخصه‌های اصلی و جداکننده نظریه اقتصاد اسلامی از رهیافت‌های رایج معرفی و در نهایت عملکرد برنامه‌های پنج ساله توسعه بعد انقلاب اسلامی از منظر میزان پایداری به اهداف کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی از طریق ساخت شاخص ترکیبی به روش فاصله از مرجع محاسبه شد.

گفتنی است با توجه به مبانی نظری مکاتب و رهیافت‌های اقتصادی و نیز مباحث و اصول اقتصادی مندرج در قانون اساسی ج.ا.ا. پنج محور اصلی زیر در حوزه اقتصادی به‌عنوان معیارهای بازگوکننده تحقق اهداف اقتصادی قانون اساسی طی دوره جنگ و برنامه‌های پنج ساله توسعه شناسایی شدند.

۱. بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه؛ ۲. مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی؛ ۳. مالکیت و حیطة دخالت دولت در اقتصاد؛ ۴. رفاه و پیشرفت اقتصادی و ۵. استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصادی کشور.

نتیجه ساخت شاخص ترکیبی برای محورهای پنج‌گانه اصلی نشان می‌دهد که در مقایسه و ارزیابی عملکرد دوره جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه کشور از منظر تحقق اهداف و اصول اقتصادی قانون اساسی، نزدیک‌ترین قرابت و همراستایی به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین: ۶۵/۶۶)؛ برنامه چهارم توسعه (میانگین: ۶۴/۴۴)؛ برنامه اول توسعه (میانگین: ۶۰/۷۴)؛ برنامه پنجم توسعه (میانگین ۵۷/۵۲) و برنامه دوم توسعه (میانگین ۵۵/۲۳) و سرانجام دوره جنگ تحمیلی (میانگین: ۵۰/۴۶) متجلی شده است؛ البته باید اشاره کرد که در دوران جنگ تحمیلی در بیشتر محورهای پنج‌گانه چالش‌های نابرابری دهه ۵۰ش و مشکلات اقتصادی تحمیل شده از جنگ و نیز آغاز توسعه زیرساخت‌های رفاهی وجود دارد که باید مد نظر قرار داد.

در ضمن در محور اصلی رفاه و پیشرفت اقتصادی، بهترین عملکرد در بین برنامه‌های پنج ساله

توسعه را برنامه سوم توسعه داشته است. برنامه چهارم توسعه بهترین وضعیت را در بسط و گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه داشته است. در زمینه مالکیت و حیطه دخالت دولت در اقتصاد بهترین وضعیت در برنامه چهارم توسعه محقق شده است. در محور اصلی مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی برنامه اول بهترین جایگاه و رتبه را داشته و در محور اصلی استقلال اقتصادی نیز برنامه سوم توسعه عملکرد و شتاب بیشتری داشته‌اند.



## منابع

۱. پيله فروش میثم (۱۳۹۴)، «الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۲، ص ۲۶-۲۵.
۲. تفضلی، فریدون (۱۳۹۱)، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، تهران: نشر نی.
۳. جعفری صمیمی، احمد؛ حسن زرین اقبال و محمدرضا زیبایی و کاوه درخشانی درآبی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی اقتصاد بخش عمومی در الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های رفاه»، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۶ (۱)، ص ۴۹-۷۱.
۴. زرین اقبال، حسن (۱۳۸۵)، «نقد چارچوب نظریه عدالت اقتصادی در دولت رفاه»، فصلنامه اقتصادی تکاپو، سال ۱۳۸۵، شماره دوم، ص ۷۱-۴۹.
۵. شیخی مهرآبادی، علی (۱۳۸۹)، «نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی»، مجله تازه‌های اقتصادی، سال ۱۳۸۹، شماره ۱۱۶، ص ۱۰۸-۹۱.
۶. کدخدایی عباسعلی و محبوبه عباسیان (۱۳۹۹)، «مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۱، ص ۲۲-۱.
۷. کریم محمدحسین، وحید شقاقی شهری، لیلا نصری (۱۳۹۴)، ارزیابی فرآیند خصوصی سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی)، فصلنامه سیاستها راهبردی و کلان، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۴، ص ۶۲-۴۹.
۸. نمازی، حسین (۱۳۷۴)، نظام‌های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۹. صدر، محمدباقر، ۱۳۵۰ش، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، انتشارات برهان.
10. Bandura, A. (2014), *Self-Efficacy: The exercise of control*. New York, W.H. Freeman.
11. Friedman, M., & Friedman, R., (1980), *Free to Choose: A Personal Statement*, New York: Harcourt Brace Jovanovich, First Edition.
12. OECD (2014), *Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology and user guide*.
13. Stiglitz, J (2013), *The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future*, W. W. Norton & Company.